

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

۵	فصل اول: کلیات تحقیق
۶	۱-۱-۱ تعریف مسئله
۹	۲-۱-۱ سوال اصلی
۹	۳-۱-۱ سوالات فرعی
۹	۴-۱-۱ فرضیه اصلی
۹	۵-۱-۱ متغیرها
۱۰	۶-۱-۱ مواد و روش انجام پژوهش
۱۰	۷-۱-۱ هدف پژوهش
۱۰	۸-۱-۱ پیشینه پژوهش
۱۳	۹-۱-۱ جنبه جدید و نوآوری بودن
۱۴	فصل دوم: چارچوب نظری
۱۵	۱-۲ تحریم بین المللی: چارچوب مفهومی
۱۷	۱-۲-۱ انواع تحریم
۱۸	۲-۲ تعریف مجازات‌های بین المللی
۲۰	۳-۲ دلایل مجازات‌های بین المللی
۲۱	۴-۲ تحریم بین المللی: منظر تاریخی
۲۴	۱-۴-۲ تاریخ تحریم‌ها بعد از سال ۱۹۴۵
۲۵	۵-۲ تحریم بین المللی: ابعاد نظری
۲۸	۲-۵-۲ نظریه مجازات‌های هوشمند
۳۰	۶-۲ اجبار (بازدارندگی و وادارسازی)
۳۱	۱-۶-۲ راهبرد
۳۱	۲-۶-۲ بازدارندگی و وادارسازی
۳۴	۷-۲ تحریم غرب ضد ایران از منظر نواقع گرای، نهادگرایی نولیبرال، سازه‌انگاری
۳۵	۸-۲ نواقع گرای و تحریم
۳۶	۱-۸-۲ نواقع گرای: شدت عمل علیه دشمنان و ارائه مشوق در مقابل دوستان
۳۹	۲-۸-۲ منفعت اقتصادی: ارزان بودن هزینه اعمال تحریم برای جلوگیری از گسترش

- ۲-۸-۳ انتقادات وارده به نظریات نوواقع‌گرایی در زمینه تحریم ۴۱
- ۲-۹-۹ نهادگرایی نولیبرال و تحریم ۴۲
- ۲-۹-۱۰ نهادهای بین‌المللی و تلاش در جلوگیری از اشاعه ۴۳
- ۲-۹-۲ نهادینه سازی روابط خارجی ۴۵
- ۲-۱۰-۱۰ سازه‌انگاری ۴۸
- ۲-۱۰-۱۱ اصول:تاثیر سازنده هنجارها..... ۴۸
- ۲-۱۰-۲ کارگزار ۴۹
- ۲-۱۱ نتیجه گیری ۵۲
- فصل سوم: دیپلماسی هسته‌ای و کنش متقابل ایران** ۵۳
- ۳-۱ دلایل کنش سلبی ایران در برابر غرب، بعد از سال ۲۰۰۲..... ۵۵
- ۳-۲ موضوع هسته‌ای ایران (تحریم ایران): از دید نوواقع‌گرایی و نولیبرالیسم ۵۶
- ۳-۳ بحران هسته‌ای ایران..... ۶۰
- ۳-۴ چگونگی تبدیل انرژی صلح آمیز هسته‌ای به بحران ۶۱
- ۳-۵ مرحله اول بحران هسته ای ایران ۶۲
- ۳-۶ کارشکنی غربی‌ها در مذاکره، شروع واکنش سلبی ایران ۶۳
- ۳-۷ بیانیه تهران..... ۶۳
- ۳-۷-۲ تعهدات سه کشور اروپایی ۶۴
- ۳-۸ بیانیه بروکسل و عدم پایبندی سه کشور اروپایی به تعهدات خود ۶۵
- ۳-۹ موافقت نامه پاریس و عدم شفافیت غرب ۶۸
- ۳-۱۰ (بسته ۵ اوت ۲۰۰۵ سه کشور اروپایی)، کنش متقابل ایران، ارجاع موضوع هسته ای به شورای امنیت ۷۰
- ۳-۱۱ غرب و شورای امنیت، تحریم و کنش سلبی ایران ۷۵
- ۳-۱۲ بیانیه ۲۹ مارس ۲۰۰۶ (۱۳۸۵/۱/۱۹) رئیس شورای امنیت ۷۶
- ۳-۱۳ قطعنامه ۱۶۹۶ شورای امنیت ۷۷
- ۳-۱۴ قطعنامه ۱۷۳۷: اولین قطعنامه شورای امنیت در چهارچوب مجازات‌های بین‌المللی ۷۹
- ۳-۱۴-۱ تصویب قطعنامه ۱۷۳۷ و واکنش سلبی ایران ۸۰
- ۳-۱۵ قطعنامه ۱۷۴۷:تحریم اقلام دو منظوره (سلاح‌های سنگین) و همچنین بانک سپه ۸۰
- ۳-۱۶ قطعنامه ۱۸۰۳:جنگ اقتصادی ۸۳
- ۳-۱۷ قطعنامه ۱۸۳۵ ۸۴

۱۸-۳	توافق تبادل سوخت هسته‌ای (ایران، ترکیه، برزیل) و کارشکنی غربی‌ها	۸۵
۱۹-۳	تاسیسات غنی سازی فردو (نزدیکی قم)	۸۶
۲۰-۳	میانجی گری ترکیه و برزیل در زمینه تبادل سوخت و توافق تهران	۸۷
۲۱-۳	قطعه‌نامه ۱۹۲۹ (تحریم هوشمند)	۸۹
۲۴-۳	نتیجه گیری	۹۲
۹۴	فصل چهارم: سازه انگاری روانشناختی و کنش متقابل ایران	
۱-۴	مجازات‌ها و تحریم‌های بین المللی : دلایل کنش متقابل ایران	۱۰۹
۲-۴	تاثیر تحریم‌های شورای امنیت، بر امنیت ملی و کنش سلبی ایران	۱۰۹
۳-۴	واکنش سلبی ایران به تاثیر تحریم‌های شورای امنیت بر غرور و منزلت ملی	۱۱۱
۴-۴	مشروعیت زدایی غرب در مقابل ایران: راهبردی ضد منزلت	۱۱۲
۵-۴	کنش سلبی ایران در قبال راهبرد تحریم غرب	۱۱۳
۶-۴	نتیجه گیری	۱۱۵
۱-۵	نتیجه گیری نهایی	۱۱۷
۱۲۳	منابع فارسی	
۱۲۸	منابع لاتین	
۱۲۳	فهرست منابع و ماخذ	

فهرست جداول

صفحه	عنوان
۲۶.....	نمودار ۱ نظریه سنتی مجازات‌ها.....
۲۹.....	نمودار ۲ نظریه مجازات‌ها.....
۴۷.....	نمودار ۳- سود و زیان اقتصادی کشورها در تحریم ایران.....
۵۵.....	نمودار ۴- دلایل کنش سلبی ایران در برابر غرب، بعد از سال ۲۰۰۲.....
۵۹.....	نمودار ۵ سود و زیان اقتصادی کشورها در تحریم ایران.....
۱۱۴.....	نمودار ۶- آثار قطعنامه‌ها و تحریم‌های اقتصادی بر ایران.....

فصل اول:

کلیات تحقیق

۱-۱-۱ تعریف مسئله :

واکنش متقابل جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی، در مواجهه با فشارها و تهدیدات، ماهیتی سلبی داشته است. در این میان تبیین نوع رفتار سیاست خارجی ایران از منظر نظریه‌های جریان اصلی و خردگرا که بر پایه محاسبه عقلانی و سود و زیان است، قابل تبیین نبوده است؛ لذا پژوهشی که بتواند واکنش ایران در مقابله با تهدیدات و فشارها را مورد بررسی قرار دهد، لازم و ضروری است.

مقصود از واکنش سلبی ایران، عکس‌العمل‌های تلافی جویانه و مقابله به مثل دولت ایران است. آنچه را که در این پژوهش در توصیف واکنش سلبی ایران مد نظر قرار داده‌ایم این است که هر چه فشارهای غرب که بر پایه محاسبات عقلانی و سود و زیان در قبال ایران است، بیشتر گردیده، ایران نه تنها مجاب به دست کشیدن و تغییر در برنامه‌های خود نگشته است، بلکه در پیگیری اهداف و مقاصد خود مصمم تر شده است.

پژوهش‌های صورت گرفته برای درک و تفسیر سیاست خارجی ایران، اصولاً بر پایه نظریه‌های اصلی روابط بین‌الملل بوده و تنها در سال‌های اخیر، جامعه دانشگاهی کشور، به سمت درک استلزامات و تفسیر کنش ایران در صحنه روابط بین‌الملل از منظر جریان‌های غیر اصلی این رشته، گرایش پیدا کرده است. پژوهش حاضر نیز در محدوده زمانی ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۲ سعی در تبیین کنش متقابل ایران، به ویژه پس از تحریم‌ها و مجازات‌های بین‌المللی علیه کشور بر سر مسئله هسته‌ای، با رویکردی سازه‌نگارانه دارد.

متأسفانه تحریم‌های غرب علیه ملت ایران از همان آغاز پیروزی انقلاب اسلامی و روشن شدن ماهیت ضد استکباری نظام انقلابی ایران به رهبری امام خمینی (ره)، به‌عنوان اهرمی برای مهار انقلاب

و حل کردن انقلاب ایران در نظام سرمایه‌داری به کار گرفته شد. نخستین تحریم آمریکا علیه ایران پس از اشغال سفارت آمریکا در تهران، در سال ۱۹۷۹ کلید خورد. به دنبال این واقعه، آمریکا قرارداد فروش صدها میلیون دلار تجهیزات نظامی را که در زمان محمدرضا پهلوی به امضا رسیده بود، لغو و فروش تجهیزات نظامی را غیر قانونی نمود، ۱۲ میلیارد دلار دارایی‌های دولت ایران در آمریکا مصادره شد و این کشور کلیه مبادلات تجاری بین ایران و آمریکا را ممنوع کرد که این عمل آمریکا، سرآغاز کنش سلبی ایران نسبت به غرب بود.

در سال‌های ۱۹۷۹ تا ۱۹۹۴ در محدوده دوران ریاست جمهوری کارتر^۱، ریگان^۲ و جورج بوش پدر^۳، تحریم‌هایی انجام می‌گرفت که عمدتاً یکجانبه بوده و از سوی دولت آمریکا به تصویب می‌رسید. برخی از مهم‌ترین این تحریم‌ها عبارتند از: ممنوعیت واردات نفت از ایران به آمریکا، مسدود شدن دارایی‌های ایران در آمریکا، ممنوعیت فروش سلاح و کلیه تجهیزات با مصارف دوگانه به ایران، ممنوعیت صادرات هرگونه کالا به ایران و... مهم‌ترین تحریم‌هایی است که در این دوره بر ضد منافع کشورمان و به منظور فشار بر دولت و مردم برای کوتاه آمدن از مواضع انقلابی خود به مورد اجرا گذاشته شده است. همواره این نوع رفتار غرب و به خصوص آمریکا با کنش سلبی ایران مواجه می‌گردید.

در دوره کلینتون^۴ سیاست مهار دوجانبه به اجرا گذارده شد که علیرغم نام آن، هدف، عمدتاً مهار اقتصادی و نظامی و جلوگیری از برتری یافتن ایران بر منطقه بود، زیرا تحریم اقتصادی عراق و تضعیف روز افزون اقتصادی و نظامی آن توازن بین ایران و عراق را به نفع ایران بر هم زده بود. در سال ۱۹۹۶،

¹ James Earl Carter

² Ronald Reagan

³ George Herbert Walker Bush

⁴ William J. Clinton

آلفونس داماتو^۵ سناتور جمهوریخواه، در ۸ سپتامبر ۱۹۹۵ با ارائه طرحی، خواستار تحریم اقتصادی بر ضد شرکت‌های غیرآمریکایی شد که تکنولوژی مربوط به صنعت نفت را در اختیار ایران قرار میدادند. در ۲۰ دسامبر همان سال، لایحه داماتو به تصویب مجلس سنا رسید. «بنجامین گیلمن^۶» رئیس کمیسیون روابط بین‌الملل مجلس نمایندگان آمریکا نیز طرح مشابهی را ارائه کرد.

این دو لایحه پس از تصویب در مجلس سنا و نمایندگان، به صورت قانون «مجازات ایران - لیبی» درآمد و بعدها به قانون داماتو معروف شد. این تحریم سرآغاز تحریم‌های هوشمند علیه جمهوری اسلامی ایران بود که باز هم با واکنش سلبی ایران و دوری هرچه بیشتر ایران و غرب از یکدیگر مواجه گردید.

با آغاز ریاست جمهوری جورج بوش^۷، روند تحریم اقتصادی جمهوری اسلامی شدت دوباره‌ای یافت. در این میان، واقعه ۱۱ سپتامبر، باعث شکل‌گیری سیاست خارجی تهاجمی علیه برخی کشورهای خاورمیانه و به خصوص ایران اسلامی گردید که دارای تأثیر چشمگیری بر روی کاربرد تحریم اقتصادی بوده است و بر شدت تحریم‌ها افزود. با ورود پرونده هسته‌ای به شورای امنیت، اوج این تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران را شاهد بوده‌ایم که همواره با واکنش سلبی ایران همراه گردیده است.

آنچه لازم به ذکر است این‌که هرچه بر فشارها، تحریم‌ها و مجازات‌ها افزوده می‌شود، واکنش ایران نیز سلبی‌تر می‌گردد و به دلیل اینکه غرب با توجه به دیدگاه‌های رئالیستی و محاسبه‌گرایی عقلانی، سعی در پاسخ به این موضوع دارد، از درک آن عاجز می‌باشد. بنابراین ما در این پژوهش به دیدگاه‌های اصلی رئالیسم در رابطه با تحریم و نوع نگاه غرب به تحریم ایران از منظر نواقح‌گرایی، نهادگرایی

⁵ *Alfonse Marcello "Al" D'Amato*

⁶ *Benjamin Arthur "Ben" Gilman*

⁷ *George Walker Bush*

نولیبرال، راهبرد و اجبار می‌پردازیم و از آن سو دیدگاه سازه‌انگاری را مورد بررسی قرار می‌دهیم که هم به عوامل مادی و هم عوامل غیرمادی همچون هویت و ارزش‌ها می‌پردازد.

برای پاسخ به کنش سلبی ایران، سازه‌انگاری فرهنگی روانشناختی لیبو^۸ را مطرح نموده‌ایم، زیرا در این رویکرد در کنار عوامل مادی، عقلانی و محاسبه‌گر، به عواملی همچون هویت، افتخار و ارزش‌ها می‌پردازد و بر آنیم که با این نظریه بهتر می‌توانیم کنش سلبی ایران را در ورای آن توضیح دهیم.

۱-۲ سوال اصلی:

چگونه تحریم‌ها بر کنش متقابل یا عکس‌العمل ایران تاثیر داشته است؟

۱-۳ سوالات فرعی:

۱. تحریم‌ها و مجازات‌های بین‌المللی چه هستند و مولفه‌های آن کدامند؟

۲. تاریخچه تحریم‌ها و نوع این تحریم‌ها علیه ایران چگونه است؟

۱-۴ فرضیه اصلی:

غرور و منزلت ایرانی به عنوان چارچوب کنش ایران در جامعه بین‌المللی باعث رفتار مقابله‌جویانه ایران در مقابل تحریم‌ها و مجازات‌های بین‌المللی شده است.

۱-۵ متغیرها:

متغیر مستقل: تحریم‌ها و مجازات‌های بین‌المللی

متغیر وابسته: کنش متقابل ایران

⁸ Ned Lebow

۱-۱-۶ مواد و روش انجام پژوهش:

در پژوهش حاضر، به لحاظ ماهیت آن به طور کلی از روش‌های تحقیق متداول در علوم سیاسی (کیفی)، تاریخی - توصیفی استفاده شده است. همچنین نوع تحقیق علی - معلولی و روش انجام تحقیق کتابخانه‌ای است که با رجوع به اسناد، رساله‌ها، روزنامه‌ها، کتاب‌ها و دست نوشته‌های دوره مورد نظر، صورت گرفته است. با بررسی منابع برگزیده و جمع‌آوری مطالب و تنظیم فیش‌ها در چهارچوب طرح تحقیق به تحریر این نوشتار و در نهایت تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری مبادرت شده است.

۱-۱-۷ هدف پژوهش:

هدف از این پژوهش، تبیین تاثیر مجازات‌ها و تحریم‌های بین‌المللی و تاثیر آن بر کنش متقابل ایران است، همچنین درک این موضوع که چرا هرچه تحریم‌ها بیشتر و شدیدتر می‌شود، واکنش سلبی ایران نیز بیشتر می‌گردد. شیوه مواجهه با موضوع هسته‌ای ایران با در نظر گرفتن تحریم‌های اقتصادی و سیاسی کشورهای غربی علیه دولت‌های مختلف ایران، موضوع مورد بررسی تحقیق حاضر خواهد بود.

۱-۱-۸ پیشینه پژوهش:

آثار علمی مختلفی در رابطه با موضوع مجازات‌ها و تحریم‌های بین‌المللی و تاثیر آن بر کنش متقابل ایران، نگاشته شده است که هر یک از زوایای مختلفی به بررسی این موضوعات پرداخته‌اند و ما در اینجا به عنوان نمونه به تعدادی از این آثار اشاره می‌کنیم:

۱. حسین علیخانی در کتابی تحت عنوان «تحریم ایران، شکست یک سیاست» به بررسی ریشه‌های تاریخی بی‌اعتمادی بین ایران و آمریکا، چگونگی آغاز تحریم‌ها در طول تاریخ انقلاب، تاثیر گروه‌های صاحب نفوذ در آمریکا، در بحث تحریم می‌پردازد، همچنین عنوان می‌کند که توجیه آمریکایی‌ها برای فشار بر ایران و تحریم آن تحت عناوینی همچون، حمایت ایران از تروریسم،

مخالفت ایران با روند صلح اعراب و اسرائیل، همچنین جدیت ایران در تولید و توسعه سلاح‌های کشتار جمعی می‌باشد. در آخر نتیجه می‌گیرد که سیاست تحریم ایران به عنوان یک سیاست منطق ناپذیر از سوی آمریکا دنبال شده است و این عامل (سیاست تحریم ایران)، به دلیل ریشه‌های بی‌اعتمادی بوجود آمده بین دو کشور مطرح می‌شود. (علیخانی، ۱۳۸۴)

۲. محمود یزدان فام در مقاله‌ای تحت عنوان «تحریم‌های بین‌المللی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» به بررسی مفهوم لغوی تحریم و همچنین مجازات و انواع و منطق حاکم بر مجازات‌های بین‌المللی می‌پردازد، همچنین رابطه اقتصادی چین و روسیه با آمریکا و اتحادیه اروپا و مبادلات اقتصادی هر یک با ایران را مورد بررسی قرار می‌دهد. ایشان به اقتصاد ایران پرداخته و تاثیر این تحریم‌ها را بر روی این اقتصاد و تاثیرات مخربی را که می‌تواند بر امنیت ملی داشته باشد، مورد ارزیابی قرار می‌دهد. در آخر نتیجه‌ای که گرفته می‌شود این است که تحریم‌ها و مجازات‌ها همچنان گسترده خواهد شد و اگر دو طرف نتوانند به نتیجه و راهکار مشخصی دست یابند، امنیت ملی ایران نقض خواهد شد. (یزدان فام: ۱۳۸۵، ۸۱۱)

۳. لارنس فریدمن و سرینات راگاوان^۹ در مقاله‌ای تحت عنوان «اجبار» به بررسی مفهوم اجبار، استفاده از تهدید، راهبرد و همچنین وادارسازی در روابط بین‌الملل می‌پردازد. ایشان در این مقاله به بررسی اجبار به عنوان گونه متمایزی از راهبرد می‌پردازند که در آن از تهدیدها برای فشار آوردن بر بازیگر دیگر استفاده می‌شود تا برخلاف میلش کاری انجام دهد (وادار سازی) یا کاری که قصد انجامش را داشته باشد عملی نسازد (بازدارندگی). ایشان همچنین در ادامه مقاله به انواع اجبار از حیث بلند پروازانه بودن، روش‌های مورد استفاده (محروم سازی یا خسارت) و توانایی بازیگر آماج برای توسل به اجبار متقابل می‌پردازند که در رابطه آمریکا با ایران بسیار مصداق پیدا می‌کند. (فریدمن و راگاوان، ۱۳۹۰)

^۹ lawrence freedman and srinath raghavan

۴. ریچارد ندلیبو^{۱۰} در مقاله‌ای که در سال ۲۰۰۶ تحت عنوان «ترس، علاقه، و خواست‌ها» می‌نویسد و همچنین کتاب ایشان تحت عنوان «کنش فرهنگی در روابط بین‌الملل» که در سال ۲۰۰۸ چاپ می‌کنند، به بحث ارزش‌ها، هنجارها، در روابط بین‌الملل می‌پردازند. لیبو به انتقاد از نظریه‌های مسلط غربی همانند نواقع‌گرایی، لیبرالیسم و ... می‌پردازد که کشورهای غربی در تاکید محض بر این نظریه‌های رئالیستی، هنجارها را نادیده انگاشته و به مشکلات امروزه در جهان سیاست دامن زده‌اند. ایشان در باب افول قدرت و هژمون آمریکا می‌نویسند که اگر چه قدرت اقتصادی، نیروی نظامی و ... آمریکا در بالاترین حد در طول حیات انسان است، اما همین نادیده انگاشته شدن ارزش‌های جوامع مختلف و هنجارها، باعث شده است که قدرت آمریکا توسط مردم جوامع مختلف به چالش کشیده شود و آن ابهت لازم را جهت ایفای نقش قدرت فائقه بودن را نداشته باشد. (Lebow, 2006)

۵. کاظم غریب آبادی در کتاب‌هایی تحت عناوینی مانند «تهضت ملی هسته‌ای»، «برنامه هسته‌ای ایران، واقعیت‌های اساسی» و «پرونده هسته‌ای ایران به روایت اسناد»، به بررسی پرونده هسته‌ای ایران در قبل و بعد از انقلاب و همچنین گاه شمار مذاکرات و تحریم‌های صادر شده علیه ایران می‌پردازند. ایشان در این کتاب‌ها به بیان دیدگاه‌های رهبر معظم انقلاب در باب موضوع هسته‌ای، ریاست جمهوری‌های دوره اصلاحات و همچنین دولت‌های دوره نهم و دهم و دیدگاه‌های مجلس در این باب می‌پردازند. ایشان برنامه هسته‌ای و تحریم‌ها را از دید حقوقی و سیاسی، مورد بررسی قرار می‌دهند.

۶. اکبر ولی زاده در مقاله‌ای تحت عنوان «تحریم، منع گسترش در تئوری‌های روابط بین‌الملل (نظریه‌های سه گانه: منافع، نهادها و هنجارها)» به بررسی نظریات مطرح در روابط بین‌الملل و تحریم از دیدگاه این نظریات می‌پردازد. ایشان در این مقاله به نواقع‌گرایی، نهادگرایی نولیبرال، لیبرالیسم

¹⁰ Richard Ned Lebow

و همچنین سازه‌انگاری توجه می‌نمایند. در این مقاله عنوان می‌شود لیبرالیست‌ها معتقدند بین تحریم و اهمیت اقتصادی رابطه معکوس وجود دارد. همچنین در این مقاله ارجاع تحریم‌ها به نهادهای بین‌المللی را نظریه نهادگرایی نولیبرال عنوان می‌نماید و همچنین تفاوت در واکنش غرب در قبال نقض عدم اشاعه تسلیحات کشتار جمعی را به خاطر نقش قدرت هنجارها در تعامل میان کشورها عنوان می‌کند». (ولی‌زاده، ۱۳۸۷)

۹-۱-۱ جنبه جدید و نوآوری بودن:

در مطالعات به عمل آمده در زمینه ارزیابی تحریم‌ها و اثرات آن بر جمهوری اسلامی ایران، در ابتدا می‌توان به این نکته اذعان نمود که اصولاً ارزیابی‌های به عمل آمده براساس واقعیت‌ها و رخداد‌های ملی و بین‌المللی نبوده‌اند و بیشتر به بیان انتظارات و برداشت‌های خود مولف از موضوع مورد نظر پرداخته شده است. همچنین، عدم استفاده از منابع جدید و نیز گستردگی مفهومی و مطالعاتی محققان در بررسی موضوع مورد نظر، یکی دیگر از ضعف‌ها و چالش‌های اساسی در مبحث مورد اشاره است.

آنچه را که در این نوشته سعی شده بیشتر بدان تاکید گردد و ضعف دیگر نوشته‌های قبلی را پوشش دهد، این است که در مطالعات و منابع قبلی به واقعیت‌های روز و توانایی‌های داخلی، توجه کافی نشده است و پژوهش حاضر توجه بیشتری به این موارد داشته است.

فصل دوم:

چارچوب نظری

۲-۱ تحریم بین‌المللی: چارچوب مفهومی

آن طوری که «جورج لوپز»^{۱۱} و «دیوید کارترایت»^{۱۲} می‌گویند، تحریم‌های اقتصادی، جزئی از مهارت‌های دیپلماتیک در طول قرن‌ها بوده است. به طور اساسی امروزه تحریم به عنوان یک راهبرد برای آغاز فشارهای اقتصادی در جریان خصومت‌ها و با اهدافی متفاوت فرض می‌شود. در ضمن، الگوی استفاده از تحریم، از سال ۱۹۹۰ تغییر یافته و موارد اصلی چند جانبه شده و تحت نظارت سازمان ملل در آمده است. در این مدت شورای امنیت سازمان ملل، تحریم‌های جامع یا نسبی علیه عراق، لیبی، هائیتی، سومالی، لیبیا، یوگسلاوی سابق و خمرهای سرخ را اجرا نموده است. این تحریم‌ها در مواقعی به صورت اقدامات قهری «به جز جنگ» ابزاری چند منظوره در دیپلماسی بازدارنده و یک راهبرد محرک برای تغییرات سیاسی و اجتماعی در کشور هدف، یا حتی مقدمه‌ای برای جنگ می‌باشد. مروری بر زنجیره تحولات اساسی بین‌المللی در گذشته به خوبی سیری قابل پیش‌بینی و متنوع از اهداف موردنظر تحریم را نشان می‌دهد. (زهرانی، ۱۳۷۶: ۱۷)

در کره شمالی ترکیبی از راهبردها که برگزیده تهدید به تحریم اقتصادی، دیپلماسی سطح بالا، و تشویق‌های اقتصادی تکنولوژیک (مشوق)، منجر به توافقی شد که به طور موقت، احتمال تولید تسلیحاتی اتمی جدید را کاهش داد. همزمان با چنین وقایعی، بحث در خصوص تحریم آمریکا علیه کوبا و تحریم عراق از سر گرفته شد. پاترسون و منتقدان دیگر تحریم، تحریم را به عنوان بهترین تکنیک برای گذر به صلح در دیپلماسی بازدارندگی و حل و فصل اختلافات می‌دانند (زهرانی، ۱۳۷۶: ۳۵).

نکته اساسی در تبیین چرایی وضع تحریم‌ها توجه به این اصل مهم است که اگر راه حل نظامی کنار گذاشته شود، راهی جز تحریم باقی نمی‌ماند. (Mortimer, 2010:25) چهارچوب متداول در این

¹¹ George Lopez

¹² David Karat

زمینه آن است که بین تحریم و جنگ رابطه‌ای معکوس برقرار است؛ بدان معنا که هراندازه بر شدت تحریم افزوده شود، به همان میزان از امکان جنگ جلوگیری می‌شود. به سخن دیگر، به طور اساسی تحریم جایگزین جنگ است. اما عاملی که این معادله را می‌تواند تغییر دهد، زمان است. هر چه تحریم طولانی‌تر شود و اهداف تحریم‌کنندگان تامین نشود، امکان ورود به جنگ زیادتر می‌شود. یک دلیل امکان شکست تحریم‌کنندگان می‌تواند مربوط به ائتلاف و اجماع، در پشتیبانی از تحریم باشد. البته حجم، شدت و گستره حمله به تناسب همان اهداف تحریم تغییر می‌کند. به عنوان نمونه، در مورد ایران هدف حداقلی، تاخیر در دستیابی به سلاح هسته‌ای، نابودی توان هسته‌ای است و در حداکثری بی‌ثبات سازی و تغییر حکومت است. در مواردی که تحریم با هدف سرنگونی باشد، تحریم متوجه زیرساخت‌ها است و اقدام نظامی در نهایت تیر خلاص است. (زهرانی، ۱۳۸۹: ۵۲)

تحریم‌های آمریکا علیه نوریگا در پاناما و نیز تحریم‌ها علیه صدام، (۱۹۹۰) بر این مبنا تحلیل می‌شود. برای اقدام نظامی عوامل بسیار زیادی نقش دارد که اثبات فرضیه رابطه میان زمان و بروز جنگ را نیز مشروط می‌نماید. برای نمونه، ممکن است کشورهای تحریم‌کننده تحمل کافی در اثر بخشی تحریم اقتصادی برای دراز مدت را نداشته باشند و همین امر منجر به آن شود که گزینه نظامی به عنوان راهی برای وصول به هدف در مدت معقول محسوب شود. عوامل دیگری نظیر قدرت و بزرگی کشور هدف، تجربه قبلی در امر دفاع و عواملی از این دست نیز مطرح است. از این حیث که ایران هجدهمین کشور (از حیث قدرت) است، گزینه چندان مناسبی برای حمله نیست. (زهرانی، ۱۳۸۹: ۵۱)

بنا به تعریف، تحریم اقتصادی عبارت است از: یک سلسله سیاست‌های برنامه‌ریزی شده یک دولت برای محدود کردن مناسبات اقتصادی، یعنی به طورکل با دولتی دیگر، به منظور دستیابی به اهداف سیاسی و اقتصادی خود است. تحریم‌ها می‌توانند به طور یک‌جانبه، چندجانبه و یا براساس قطعنامه‌های بین‌المللی اعمال شوند. تحریم بین‌المللی مستلزم صدور قطعنامه سازمان ملل است؛ اما در

تحریم چندجانبه معمولاً چند کشور برای اعمال تحریم علیه یک کشور دیگر با هم توافق می‌کنند. در تحریم یک جانبه نیز یک کشور به تنهایی علیه کشور دیگر وارد عمل می‌شود. دو مورد اخیر مستلزم صدور قطعنامه شورای امنیت نیست و توافق کشورها زمینه تحریم را فراهم می‌کند. اگر در یک تحریم چندجانبه یا بین‌المللی یک حلقه ضعیف وجود داشته باشد، کل تحریم ضعیف می‌شود، زیرا استحکام کلی یک رشته زنجیر به مقاومت ضعیف‌ترین حلقه آن بستگی دارد. (احتمال تحریم و پیامدهای آن برای ایران، مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۵).

۱-۲-۱ انواع تحریم

تحریم‌ها را می‌توان بر اساس اهداف به دو نوع تقسیم کرد: ۱- تحریم با هدف راهبردی؛ در این حالت، منافع راهبردی یک کشور (تحریم کننده) در خطر قرار دارد، که در این صورت تحریم جایگزین جنگ می‌شود (هزینه‌اش از جنگ کمتر است). ۲- تحریم با هدف تغییر رفتار؛ در این حالت، تحریم همه‌جانبه نخواهد بود و تغییر رژیم و بی‌ثبات کردن آن (کشور تحریم شونده) مورد نظر نیست.

همچنین تحریم‌ها را به لحاظ شکلی می‌توان به دو نوع تقسیم کرد. ۱- اجباری ۲- مداخله‌جویانه از نظر هدف، تحریم‌های اجباری تغییر رفتار را دنبال می‌کنند، بنابراین، در اینجا مخاطب رژیم است و روش آن هم علنی است. در تحریم مداخله‌جویانه، هدف بی‌ثبات‌سازی و یا تغییر رژیم است، مخاطب آن مردم می‌باشند و روش، آمیزه‌ای از روش‌های رسمی علنی و پنهانی است. (احتمال تحریم و پیامدهای آن برای ایران، مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۵).

در هر کدام از این دو روش تحریم مبتنی بر نظریه وابستگی است. با این حال، دو رویکرد نسبت به وابستگی وجود دارد: ۱- وابستگی مارکسیستی، که بین آسیب‌پذیری اقتصادی و ناآرامی‌های اجتماعی

رابطه‌ای مستقیم برقرار می‌کند (هر میزان که یک کشور آسیب‌پذیری اقتصادی‌اش بیشتر باشد، در صورت اعمال فشار، ناآرامی اجتماعی بیشتری در آن رخ می‌دهد).^۲ وابستگی از نوع آمریکای لاتین که این گونه نیست اگر کشوری به لحاظ اقتصادی وابسته بود، بین این وابستگی اقتصادی و آسیب‌پذیری اجتماعی رابطه‌ای وجود دارد. (احتمال تحریم و پیامدهای آن برای ایران، مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۵)

۲-۲ تعریف مجازات‌های بین‌المللی:

مفهوم «مجازات» به عنوان معادل کلمه تحریم^{۱۳} به کار می‌رود که با کلمه «تحریم اقتصادی»^{۱۴} متفاوت است. مجازات حوزه وسیع‌تر از «تحریم اقتصادی» را شامل می‌شود که به طور کل به صورت مجازات‌های بین‌المللی کاربرد دارد. مجازات‌های بین‌المللی، ابزاری برای نفوذ در رفتار دولت یا گروه، هدف است که رفتارش مورد قبول جامعه بین‌المللی نیست. در طبقه‌بندی کنش دولت‌ها، مجازات‌ها به طور سنتی در منطقه خاکستری، بین دیپلماسی و جنگ، قرار می‌گیرند. زمانی که همه گزینه‌های دیپلماتیک دیگر در تعدیل رفتار دولت یا گروه هدف بی‌نتیجه ماند، مجازات‌های بین‌المللی به عنوان آخرین گام قبل از اقدام نظامی مطرح می‌شوند. (یزدان فام: ۱۳۸۵، ۷۹۱)

در عین حال، مجازات‌ها ابزاری برای ارسال پیام سیاسی به دولت هدف می‌باشند. به طور کلی، مجازات‌های بین‌المللی سه کارکرد دیپلماتیک زیر را دارند:

۱. اعلان نگرانی جامعه بین‌المللی نسبت به خطر افتادن وضع موجود و تداوم رفتار آن؛
۲. تأکید بر اینکه رفتار دولت هدف برای جامعه بین‌المللی غیرقابل قبول است؛

¹³ sanction

¹⁴ embargo

۳. هشدار نسبت به اینکه عدم توجه به نگرانی بین‌المللی، اقدام محکم‌تر، مثل توسل به زور را در پی خواهد داشت. (یزدان فام: ۱۳۸۵، ۷۹۱)

مجازات‌های بین‌المللی به سه دسته بزرگ تحریم‌های اقتصادی، مجازات‌های دیپلماتیک و سیاسی، و مجازات‌های نظامی تقسیم می‌شوند. مجازات‌های دیپلماتیک و سیاسی معمولاً در قالب کاهش سطح مناسبات دیپلماتیک، کاهش یا جلوگیری از مسافرت مقامات سیاسی و دیپلماتیک، ایجاد محدودیت‌های امنیتی، جغرافیایی و ارتباطی برای سفارتخانه‌ها و کنسول‌گری‌های کشور هدف و یا ممانعت از فعالیت‌های عادی آن‌ها، بروز می‌یابد. تحریم‌های اقتصادی، رایج‌ترین مجازات‌های بین‌المللی هستند که به صورت کلی، در قالب قطع روابط تجاری، ایجاد محدودیت بر عوامل و فعالین اقتصادی، ممنوع کردن سرمایه‌گذاری و روابط تجاری، جلوگیری از دسترسی به برخی کالاها و خدمات، افزایش تعرفه‌های گمرکی، جلوگیری از همکاری‌های مالی و پولی، جلوگیری از ادامه هرگونه کمک اقتصادی و مالی، جلوگیری از صدور فن‌آوری یا تحصیل و اشتغال متخصصین و کارشناسان و مانند آن مطرح می‌شوند. (Kimberly, 2005)

مجازات‌های نظامی، به ممنوعیت ارسال هرگونه سلاح و تجهیزات نظامی از یک سو و اعمال تحریم‌های وضع‌شده با بهره‌گیری از نیروی نظامی و محاصره دریایی و زمینی، از سوی دیگر گفته می‌شود. وقتی مجازات‌های بین‌المللی به سوی مجازات‌های نظامی سوق می‌یابد، وضعیت به سوی جنگی شدن پیش می‌رود و مجازات‌ها ابعاد خشونت‌آمیزتری به خود می‌گیرند. حمله محدود یا گسترده به یک کشور در خارج از چارچوب شورای امنیت و مقررات منشور ملل متحد، نه اعمال مجازات، بلکه عملی تجاوزکارانه محسوب می‌شود که با سرشت مجازات‌های بین‌المللی و حقوق بین‌المللی مغایر است. در عین حال، اقدامات نظامی دوجانبه که معمولاً در قالب دفاع مشروع توجیه می‌شوند، حتی با وجود اعمال مجازات‌های بین‌المللی نمی‌توانند مشروع و قانونی باشند. مجازات‌های نظامی بین‌المللی با

تصویب شورای امنیت سازمان ملل مشروعیت می‌یابد، که معمولاً اقدامی چندجانبه یا دست‌کم زیر نظر شورای امنیت می‌باشد. (یزدان فام، ۱۳۸۵)

عامل و منشاء مجازات‌های بین‌المللی می‌تواند مصوبه شورای امنیت، دولت‌های قدرتمند یا نهادها و سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای باشند. تصویب مجازات‌های بین‌المللی از سوی شورای امنیت سازمان ملل در قالب فصل ۷ منشور صورت می‌گیرد. اگر اعضای شورای امنیت از طریق سازوکاری که در منشور آمده، متوجه بشوند که صلح و امنیت بین‌المللی از سوی کشوری نقض شده و یا به خطر افتاده است، می‌توانند بر اساس ماده ۳۹ منشور اقدام و طبق ماده ۴۱، مجازات‌هایی را علیه کشور خاطی، وضع و اعمال نمایند. اعمال این تحریم‌ها و مجازات‌ها از سوی همه کشورهای عضو جامعه جهانی الزامی است (دی و باروت، ۱۳۷۳: ۶۱). اما انواع دیگر مجازات‌ها یا تحریم‌ها برای همه کشورها الزام‌آور نیست. این تحریم‌ها معمولاً از سوی قدرت‌های بزرگ یا گروهی از کشورها علیه کشور یا کشورهای دیگر اعمال می‌شود. تحریم نفتی اعراب علیه حامیان اسرائیل در دهه ۱۹۷۰، تحریم آمریکا علیه کوبا در ۵۰ سال گذشته، همچنین تحریم‌های آمریکا علیه کشورهای متعدد از جمله ایران و لیبی در قالب طرح داماتو و مانند آن، تحریم‌هایی هستند که خارج از چارچوب شورای امنیت از سوی یک یا چند کشور به اجرا گذاشته می‌شوند. (علیخانی، ۱۳۸۰)

۲-۳ دلایل مجازات‌های بین‌المللی:

در مجازات‌های بین‌المللی، کشور هدف، میان دست‌کم دو گزینه قرار دارد. کشور هدف یا با قبول خواسته‌های بین‌المللی رفتار خود را تصحیح و پاداش دریافت نماید یا با رد درخواست آن‌ها، تحریم شود. تصمیم‌گیرنده در رد درخواست بین‌المللی، دستاوردهای اقدام خود را ارزیابی و با توجه به پیامدهای تصمیم بین‌المللی برای اعمال تحریم، سیاست خود را اتخاذ می‌کند (Iektzian, 2003: 6).